



Comparison of the Persuasion Techniques of Imam Ali in the Poetry of Seyyed Hemyari and Naser Khosrow based on Grammatical and Non-Grammatical Coherence

Bahrani Rezaei ¹ | Seyyed Mohammad Raze Mostafavinia ²

1. PhD in Arabic Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran. E-Mail: rezayi77@yahoo.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran. E-Mail: dr_amostafavinia@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 14 February 2023 Received in revised form 24 May 2023 Accepted 1 July 2023 Published online 06 July 2023</p> <p>Keywords: Imam Ali, Unity, Persuasion, Seyyed Hemyari, Naser Khosrow.</p>	<p>A Significant part of Literary texts in both Arabic and Persian Languages is included in Committed Literature. Instilling the Authenticity of Imam Ali to the Audience is the Objective Manifestation of this type of Literature in the Past era. Seyyed Hemyari and Naser Khosrow are among the Poets who Praised the Qualities of Imam Ali with Heartfelt knowledge, Sincerity, and thought. They Wrote good Poems with themes from the Verses of the Holy Quran, Hadiths and Historical events. Based on the Descriptive-analytical Method, this Research Compares some Persuasion Techniques in the Poems of both Poets in Depicting the Righteousness of Imam Ali. On the other hand, Persuasive tactics have been Measured with the Criterion of Coherence, which is Proposed in Halliday's Role-Oriented theory. The Lexical, Grammatical and Linking Coherence of the text has helped both poets to Convince the Audience by Creating an Atmosphere of Confirmation and Explanation and Sometimes Expansion and Renewal in order to reach the Authenticity of Imam Ali. Lexical Cohesion, Especially Repetition, which is Considered one of the Main Techniques of Persuasion, has a high Frequency in the Poetry of both Poets. Also, causal Relationship has a more Significant role in Shaping Persuasion Techniques than other Components of Cohesiveness. Grammatical Coherence is less used in Persuasion Techniques by the Two Poets. The Reason for the Authors' interest in these two Poets is the Almost Similar life and age Conditions of the two Poets and of Course their way of thinking, which is to inform the people of their time about the Virtues of Imam Ali.</p>
<p>Cite this article: Rezaei, B. & Mostafavinia, S.M.R. (2022). Comparison of the Persuasion Techniques of Imam Ali in the Poetry of Seyyed Hemyari and Naser Khosrow based on Grammatical and Non-Grammatical Coherence. <i>Rhetoric and Gramer Studies</i>, 12 (22). 222-240. DOI: https://doi.org/10.22091/JLS.2023.9325.1493</p>	
	<p>© The Author(s) DOI: https://doi.org/10.22091/JLS.2023.9325.1493</p>
<p>Publisher: University of Qom</p>	

بررسی تطبیقی انسجام دستوری و غیر دستوری تکنیک‌های اقناع حقایق امام علی (ع) در شعر سید حمیری و ناصر خسرو

بهر علی رضایی^۱ | سید محمد رضی مصطفوی نیا^۲✉

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: rezayi77@yahoo.com
 ۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: dr_amostafavinia@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵</p> <p>کلید واژه‌ها: امام علی (ع)، انسجام، اقناع، سید حمیری، ناصر خسرو.</p>	<p>بخش قابل توجهی از متون ادبی دو زبان عربی و فارسی را ادبیات متعهد در برمی گیرد. القای حقایق امام علی (ع) به مخاطب، جلوه عینی این نوع از ادبیات در دوران گذشته است. سید حمیری و ناصر خسرو از جمله شاعرانی هستند که با شناخت قلبی و از سر اخلاص و تفکر به ستایش خصایل امام علی (ع) پرداخته‌اند و اشعاری نیکو با درون‌مایه‌هایی از آیات قرآن کریم و روایات و وقایع تاریخی سروده‌اند. این پژوهش بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی، به مقایسه برخی از شگردهای اقناع در اشعار هر دو شاعر در ترسیم حقایق امام علی (ع) پرداخته و از دیگر سوی، شگردهای اقناعی را با محک انسجام که در نظریه نقش‌گرای هلیدی مطرح است، سنجیده است. انسجام واژگانی، دستوری و پیوندی متن، با ایجاد فضای سراسر تأیید و تشریح و گاهی تعریض و تجدید به اقناع مخاطب در راستای رسیدن به حقایق مولا علی (ع) به شعر هر دو شاعر برای اقناع مخاطب کمک کرده است. انسجام واژگانی به خصوص تکرار که یکی از شگردهای اصلی تکنیک اقناع هم محسوب می‌شود، در شعر هر دو شاعر بسامد بالایی را به خود اختصاص داده است. همچنین ارتباط سببی نسبت به سایر مؤلفه‌های انسجام پیوندی، نقش پررنگ‌تری در شکل‌دهی تکنیک‌های اقناع به خود اختصاص داده است. انسجام دستوری کمتر در شگردهای اقناع توسط دو شاعر به کار گرفته شده است. علت اهتمام نویسندگان به این دو شاعر شرایط زندگی و عصر تقریباً مشابه دو شاعر و البته نوع تفکر آنها، مبنی بر آگاه کردن مردم عصر خود از فضایل امام علی (ع)، است.</p>

استناد: رضایی، بهر علی و مصطفوی نیا، سید محمد رضی. (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی انسجام دستوری و غیر دستوری تکنیک‌های اقناع حقایق امام علی (ع) در شعر سید حمیری و ناصر خسرو». پژوهش‌های دستوری و بلاغی. دوره ۱۲. شماره ۲۲. صص: ۲۴۰-۲۲۲. DOI: <https://doi.org/10.22091/JLS.2023.9325.1493>



© نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه قم

۱) مقدمه

شاعران بزرگ همواره در طول حیات خود با شیوه‌های گوناگون در پی جلب نظر و متقاعد کردن دیگران و هم نظر کردن آنها با عقاید و اندیشه‌های خود بوده‌اند. این مهم در نزد شاعران متعهد که در پی رواج تعهد ادبی خود بوده‌اند، دوچندان مطرح است. «تعهد ادبی در معنای عام خود، التزام به یک باور، تفکر یا اندیشه اعم از دینی، سیاسی، اخلاقی-تربیتی، ملی و مواردی از این قبیل در متن است و هنرمند متعهد کسی است که عمدتاً آگاهانه در پی رواج نوعی ایدئولوژی یا باور باشد» (یعقوبی، ۱۳۹۱: ۱۷۸). تطبیق این تعهد ادبی و اعتقادی در میان شاعران، یکی از شاخه‌های ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود. این نوع از ادبیات یعنی ادبیات تطبیقی در ضمن ادبیات ملل شناخته می‌شود؛ از همین رو تنها آثاری در ضمن این نوع از ادبیات مطرح می‌شود که داری موضوع واحدی باشد و تنها اختلافات زبانی و ظاهری در چارچوب متن باشد. از این رو ادبیات تطبیقی وظیفه بررسی این اختلافات را عهده دار است. یکی از این موضوعات، مبحث اقناع مخاطب است که برای بررسی آن نیازمند شناخت تکنیک‌های آن در چارچوب و قاعده انسجام متن هستیم. هلیدی در نظریه دستور نقش‌گرایی خود و در ضمن فرانش متنی از جلوگاه انسجام، آن هم در قالب انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی بسیار سخن رانده است. در این جستار برآنیم تا با بررسی مؤلفه‌های انسجامی متن، به تطبیق انواع تکنیک‌های اقناعی اشعار شاعران در جهت آشکارسازی حقانیت امام علی (ع) به مخاطب، پردازیم.

سیدحمیری (۱۷۳-۱۰۵ هـ) و ناصرخسرو (۴۸۱-۳۹۴ هـ)، دو تن از نامی‌ترین شاعران متعهد ادبیات فارسی و عربی هستند که سهم بسزایی از اشعار خود را به مدح منزلت مولا علی (ع) اختصاص داده‌اند. این دو شاعر با استمداد از تعقل و احساس و ساختارهای زبانی و همچنین تأکید بیشتر معنا که از کاربست‌های زبانی انسجام به‌خصوص انسجام پیوندی و واژگانی متن در مبحث اقناع محسوب می‌شود، برآن بودند تا حقانیت امام علی (ع) را به مردمان ناآگاه بازگو کنند و به جلب نظر مردمان برآیند.

۱-۱) طرح مسأله

متقاعد ساختن یا اقناع یکی از مفاهیم اصلی در بحث ارتباط به شمار می‌رود که با هدف تحت تأثیر قرار دادن نوع تفکر و یا رفتار مخاطب بیان می‌شود. «فرایند اقناع در اصطلاح، به معنی کوشش آگاهانه یک فرد یا سازمان برای تغییر نگرش، باورها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های یک فرد یا گروه است» (گیل و ادفر، ۱۳۸۴: ۵۱). نکته مهمی که در این فرایند باید مورد توجه قرار بگیرد این است که پیام فرایند اقناع کاملاً ترغیبی و داوطلبانه باشد.

فرایند اقناع برای تأثیر گذاشتن برای مخاطب نیازمند ابزاری زبانی است. مبحث انسجام در نظریه زبان‌شناختی نقش‌گرایی هلیدی، ابزار زبانی تکنیک اقناع را بر مخاطب و مهمتر از آن بر متن آشکار می‌کند. از همین روی «انسجام مربوط به مناسبات معنای متن است که موجب وحدت و یکپارچگی آن می‌شود؛ لذا انسجام را ناشی از پیوند مجموعه‌ای از واژگان و جملات معنادار می‌دانند» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۴). پس انسجام «ابزار زبانی است که ویژگی متنتیت (بافتار) را فراهم

می‌کند و به روابط معنایی موجود در متن، اشاره می‌کند و شناسایی متن از غیر متن را میسر می‌سازد» (همان: ۹). برخی از گونه‌های انسجام در دستور زبان تبلور می‌یابند و برخی در واژگان و معنا.

هلیدی معتقد است که بخش غیرساختاری فرانش متن جریان‌گفتمان را هدایت می‌کند. انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی از عوامل انسجام بخش هر متنی به شمار می‌آید. در انسجام دستوری ارجاع، حذف و جایگزینی از عوامل اصلی آن به حساب می‌آیند که ارجاع در مقوله اقناع مخاطب نقش محوری را ایفا می‌کند. اما انسجام واژگانی بر خلاف انسجام دستوری از بخش واژگان زبان شکل می‌گیرد. «برای ایجاد انسجام واژگانی، عناصری انتخاب می‌شوند که به طریقی با عناصری که قبلاً در متن آمده‌اند مرتبط باشند. از دیدگاه هلیدی، انسجام واژگانی در دو محور جانشینی و هم‌نشینی عمل می‌کند. در محور جانشینی به دو روش تشریح و تعریض، و در محور هم‌نشینی با استفاده از «هم-آیندی» (گرایش برخی از واژه‌ها برای بودن در کنار هم). در روش تشریح راهبردهایی مانند تکرار و هم‌معنایی و شمول معنایی به کار گرفته می‌شود و در تعریض جزء واژگی» (همان: ۵۷۹).

انسجام پیوندی یکی دیگر از عوامل انسجام آفرینی متن محسوب می‌شوند و آن شامل روابط معنایی و منطقی میان جمله‌های سازنده یک متن است. «میان همه جمله‌های یک متن، نوعی رابطه معنایی و منطقی برقرار است؛ برای مثال یک جمله مسأله‌ای را مطرح می‌کند، جمله بعدی دلیل یا نتیجه و یا شرطی بر آن ارائه و یا مطلبی بر آن اضافه می‌کند و چه بسا مثالی یا نمونه‌ای و یا نکته مقابلی برای آن مطلب عرضه می‌کند» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۴).

از طریق انسجام دستوری و انسجام واژگانی، و انسجام پیوندی (ادات ربط) می‌توان معیارهای سه‌گانه اقناع که همان «تشریح»، «تعریض» و «تجدید» هستند را از متن بیرون کشید. با توجه به آنچه بیان شد، زبان‌شناسی مسیر و طریق وصول به هدف پایانی یعنی اقناع مخاطب است.

اساساً اقناع مردم به حقانیت امام علی (ع) در دوران گذشته در شعر شاعرانی به چشم می‌خورد که در پی رواج عقیده یا مذهب شیعی بودند؛ مانند برخی از اشعار کسایی مروزی، ناصر خسرو در ادب فارسی و همچنین کمیت بن زیاد اسدی و سید حمیری در ادب عربی. البته نباید از نظر دور داشت که در برخی از مواقع اشعار این شاعران به سمت انتقاد و اعتراض به ایدئولوژی‌های حاکم عمل می‌کند و نقدی دردناک بر اعتقادات مردم جامعه که در گرداب جهل خود را مستور می‌بینند، وارد می‌کند. این شاعران «به واسطه ایستادگی بر سر پیمان و نیفتادن در چنبر وابستگی‌ها و خواهش‌های هیأت حاکمه غاصب، آوارگی‌ها کشیده، ناسپاسی‌ها دیده و رنج‌ها و مرارت‌ها چشیده‌اند» (رزمجو، ۱۳۶۶: ۷۷). در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تدوین شده، روش‌های اقناعی در ضمن مسأله انسجام دستوری، واژگانی و پیوندی که دو شاعر بزرگ پارسی و تازی در راستای حقانیت امام علی (ع) در اشعارشان آورده‌اند، مورد پژوهش و بررسی قرار می‌گیرد و آنچه ما را بر آن داشت تا به چنین تحقیقی بپردازیم، اتفاقات و شرایط اجتماعی و روحی تقریباً مشابه این دو شاعر بود.

۱-۲) پرسش پژوهش

شاخص‌ترین شیوه‌های اقناع حقانیت امام علی (ع) در شعر سید حمیری و ناصر خسرو بر اساس انسجام کدام‌اند؟ و چه اشتراکات و تمایزاتی در اشعار دو شاعر در استفاده از شیوه‌های اقناعی وجود دارد؟

رویکرد پژوهش در این مقاله، تطبیقی است که بر مبنای آن، بررسی اشتراکات دو شاعر و نقد و تحلیل آنها مراد است.

۱-۳) پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران بی‌شماری درباره سید حمیری و ناصر خسرو به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند که به آثار برخی از آنها اشاره می‌کنیم. عباس عرب (۱۳۹۱) در مقاله «سیمای امام علی (ع) در اشعار سید حمیری»، به بررسی و فهرست کردن فضایل امام پرداخته است. مجید محمدی (۱۳۹۴) در مقاله «فضایل امام علی (ع) در شعر ناصر خسرو و کمیت بن زیاد اسدی» با ذکر نمونه‌هایی از ابیات شاعران مورد نظر، به تبیین و بررسی مهمترین اشتراکات شاعران در مدح امام علی (ع) پرداخته است.

همچنین درباره مفهوم اقناع، اگرچه آثاری چون «فرایند اقناع در قرآن کریم» از ابراهیم فتح‌اللهی (۱۳۹۴) و همچنین «درآمدی بر جایگاه فرایند اقناع در فن خطابه و مطالعات ادبی» از علی محمد مؤذنی (۱۳۹۳) و... به چاپ رسیده، اما قسمت عمده این آثار در حوزه مطالعات اجتماعی و ارتباطات است و به ادبیات و ارتباط آن با علم زبان‌شناسی کمتر نظر داشته‌اند. با این همه تاکنون پژوهشی تطبیقی در حوزه اشعاری که بتواند تصویری از شیوه‌های اقناع به حقانیت امام علی (ع) را در اشعار این دو شاعر (سید حمیری و ناصر خسرو) نشان دهد، انجام نشده است.

۲) ادبیات تحقیق

۱-۲) سید حمیری

سید حمیری با شنیدن زمزمه‌های فطرت حقیقت‌جوی خود قدم در راه سرودن قصایدی گذاشت که تا آن زمان هیچ شاعری به آن درجه از اخلاص و ارادت به خاندان نبوت نرسیده بود. می‌توان از سطر به سطر قصایدش به جهان‌بینی او مبنی بر امامت و جانشینی پیامبر (ص) پی برد که اگر تعصبات ناقادان سده‌های نخستین نبود به حق او را ملک الشعرايي شعر عربی می‌نامیدند. طه حسین درباره اوضاع زندگی سید حمیری بیان می‌دارد که: «پدر و مادر سید از خوارج اباظی مذهب، یعنی دشمن علی (ع) بودند ولی با این شرایط، او از جوانی به مذهب تشیع گروید و طبع خدادادی را در سرودن مدایح اهل بیت مخصوصاً مدح مناقب امیرالمومنین به کار گرفت» (حسین، ۱۹۲۸، ج ۲: ۳۱۳).

«سید استادترین افراد در به شعر در آوردن احادیث، اخبار و مناقب بود و فضیلتی از علی بن ابی طالب نماند مگر آنکه آنرا سید به شعر درآورد و حضور در انجمنی که در آن از خاندان محمد (ص) سخن به میان نمی‌آمد، وی را ناراحت می‌کرد» (ابن‌معتز، ۲۰۰۲: ۶۵). در مقام شاعری و شعر او، ابوالفرج اصفهانی با واسطه ابوعمید نقل می‌کند که گفت: «پر شعرترین شاعران از جاهلیت تا اسلام سه نفر بوده‌اند که سید حمیری یکی از آن سه نفر می‌باشد» (اصبھانی، بی‌تا، ج ۷: ۲۳۱). در واقع «سید حمیری شعرش را وقف مدح آل‌هاشم، به طور عام و مدح علی (ع) و فرزندان او، به طور خاص، کرده است» (فروخ، ۱۹۷۵، ج ۲: ۹).

۲-۲) ناصر خسرو

ناصر خسرو را بیشتر به عنوان شاعر مضمون‌ها و آموزه‌های حکمت‌آمیز می‌شناسند. ولی با این وجود، دیوان اشعار او مملوء از اشعار متعهدانه است. او جزو اولین سردمداران شعر متعهد در ادبیات فارسی شناخته می‌شود. «حفظ هویت ایرانی در عالم اسلام و گرایش مردم این سرزمین به خاندان علی (ع) نخستین بار در سخن فردوسی و پس از آن در آثار ناصر خسرو نمایان است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۳: ۱۰). از برخی اشعار و همچنین سفرنامه او این چنین برمی‌آید که علاوه بر شناخت کافی از زبان عربی، «دیوانی هم به زبان عربی داشته است» (محقق، ۱۳۸۶: ۳۱).

بخوان هر دو دیوان من تا ببینی یکی گشته با عنصری بحتری را

(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

در این بیت ناصر خسرو به صراحت بیان کرده است که دو دیوان دارد و در شعر عربی همپایه بحتری شاعر مشهور عرب است. همچنین خود را در زبان فارسی هم ردیف عنصری می‌داند. «به طور کلی، می‌توان از زندگی و شعر ناصر خسرو اینگونه برداشت کرد که «او به واقع شاعری یگانه است، هم از لحاظ فکر و هم از نظر شیوه شاعری؛ فکر و شعر و زندگی ناصر خسرو به هم پیوسته و همانند است؛ او کرداری داشته مطابق اعتقاد و شعری نمودار هر دو» (یوسفی، ۱۳۷۶: ۷۷). به قول بدیع‌الزمان فروزانفر، «اشعار ناصر خسرو مجموعه‌ای از ادله عقلی و مذهبی است» (فروزانفر، ۱۳۵۸: ۱۵۴). به لحاظ زندگی سیاسی، ناصر خسرو «سه عنصر را مورد انتقاد قرار می‌دهد: حاکمان سلجوقی که آنان را بیگانه و بی‌فرهنگ می‌شناسد، عالمان دین فروش که آنان را هم دست حکومت می‌بیند که مأمور تحمیق مردم هستند و سوم، عوام که آنان را لشکر بی‌مزد و جیره سردمداران بالانشین می‌پندارد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۳: ۳۱۶).

ناصر خسرو نگاه و عقیده مردم را بیشتر از دو گروه دیگر در اشعارش مورد نقد قرار می‌دهد و آنها را به واسطه اشعارش به خوانش مجدد واقعیت‌های اعتقادی، اجتماعی و سیاسی فرا می‌خواند و در این بستر سعی در اقناع مردمان دارد که یکی از جلوه‌های بارز این تلاش او، اقناع حقانیت مولا علی (ع) در اشعارش است.

۳) انواع تکنیک‌های اقناعی در اشعار سید حمیری و ناصر خسرو

شاید بتوان اقناع را هدف نهایی هر گفتمانی بیان کرد؛ از همین رو سعی شده است تا شگردهای اقناع زبانی در پرتو نظریه انسجام هلیدی در شعر هر دو شاعر، مورد تحلیل و واکاوی قرار بگیرد.

۳-۱) استفاده از تکنیک تکرار

تکنیک تکرار در طرح دعوا و اثبات آن از سوی متکلم در فرایند گفتمان از بارزترین کاربست‌های اقناع زبانی به حساب می‌آید. برخی از صاحب نظران ادب عربی تکرار را به عنوان کاربستی ارتباطی - اقناعی می‌دانند که به تأکید کلام در ذهن مخاطب می‌انجامد (العسکری، ۱۹۵۲: ۱۵۷). شاید بتوان ویژگی دیگر تکرار را، برجسته سازی تفکر در متن عنوان کرد. «تکرار در حقیقت، اصرار و پافشاری بر جنبه‌ای مهم در عبارت است که شاعر بیش از دیگر جوانب بدان توجه و اهتمام دارد و این ساده‌ترین قانونی است که در هر تکراری یافت می‌شود؛ بنابراین، تکرار دست بر نقطه‌ای حساس در عبارات

گذاشته و نشان دهنده توجه بیش از حد متکلم بدان است» (الملائکه، ۱۹۶۲: ۲۴۲). با توجه به آنچه بیان شد، شاعر برای القای ذهنیات خود به مخاطب، دست به تکرار می‌زند. «او با تلقین و تکرار، نه تنها عواطف لطیف و زود گذر، بلکه اعتقادات دیرپای مقاوم را در ذهن‌ها تثبیت می‌نمایاند. به همین دلیل، تکرار را از قوی‌ترین عوامل تأثیرگذار و بهترین ابزاری می‌دانند که عقیده یا فکری را به کسی القا کند» (علیپور، ۱۳۷۸: ۸۹). از این رو در ذیل جهت توضیح و تبیین بیشتر جنبه‌های اقناعی تکرار در کلام نمونه‌های ایراد شده است.

۳-۱-۱) تکرار در سطح واژگانی

خَذَى عَدُوِّيَّ وَ ذَرَى نَاصِرِي
صَهْرُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى الطَّاهِرِ
ذَاكَ قَسِيمُ النَّارِ مِنْ قَيْلَةٍ
ذَاكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
(حمیری، بی تا: ۲۴۵)

(آن کسی که قسیم آتش است با این گفته و سخنش که دشمنم را در بگیر و یاورم را رها و آزاد کن / آن علی پسر ابی-طالب است که داماد پیامبر پاک و برگزیده است).

سید حمیری دوبار لفظ «ذاک» را در به کارگیری حدیث قاسم بودن علی (ع) در قیامت و در دنیا، در ابیات فوق تکرار می‌کند که برای فهم آن باید به مرجع آن مراجعه کنیم. ارجاع که از عوامل انسجام متن در جلوه دستوری آن است، در این دو بیت از ارجاع درون متنی و از نوع پس مرجع است. شاعر برای اینکه مطلب حقانیت مولا را برای مخاطب تشریح کند، مرجع «ذاک» را در مصراع پایانی قرار می‌دهد تا مخاطب برای درک آن به جلو برود و دو بار نام علی (ع) را که تکرار مضمون است به یاد مخاطب آورد. این مهم باعث انسجام تکنیک اقناع و پیوستگی بیت‌ها شده است.

تکرار لفظ «ذاک» به عنوان عامل انسجام واژگانی در مصراع‌های زوج، می‌تواند رابطه منطقی بین قسمت‌های مختلف بیت را بیان کند. بدین سخن که شاعر با این تکرار نام مولا علی (ع) و جایگاه رفیع ایشان را در قیامت و در دنیا به شکل برجسته برای مخاطب تصویر می‌کشد و این مهم در جهت تشریح موضوع حقانیت امام علی (ع) است. آوردن نام حضرت به صورت متوالی به صورت تکرار (انسجام واژگانی) و ارجاع (انسجام دستوری)، باعث می‌شود مخاطب آن را برای همیشه در ذهن خود نگه داشته و یا دیرتر فراموش نکند. سید حمیری از قدرت اثرگذاری روانی تکرار و قدرت دستوری آن در ارجاع در ذهن مخاطب بهره جسته است.

ناصر خسرو نیز در دیوان خود به حدیث قاسم بودن علی (ع) اشاره می‌کند:

قسمت نشد به خلق درون دوزخ و بهشت
بر کافر و مسلمان الا به قسمتش
(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۱۸۰)

انسجام واژگانی تکرار در بیت فوق میان واژه «قسمت» با استفاده از تکرار تام آن واژه است. شاعر علاوه بر پیوند سازی موسیقایی در جهت تأکید و استوارداشت، مقام مولا علی (ع) به عنایت بخشی عواطف پاک و لطیف خود پرداخته است. این مهم نشانگر توجه دقیق شاعر بر اقناع مخاطب متناسب با عامل انسجامی است. علاوه بر تکرار واژگانی در این بیت، می‌توان تجلی تکرار تضاد به عنوان یکی دیگر از جلوه‌های انسجام واژگانی را مشاهده نمود. تضاد و رویارویی «کافر»

و «مسلمان» در بیت، برگرفته از ایدئولوژی و دیدگاه شاعر بر اساس حدیث قاسم بودن علی (ع) در قیامت است که این انسجام واژگانی محصول تضادی است که در دو لفظ «دوزخ» و «بهشت» شکل گرفته است. لذا تکرار دو تضاد علاوه بر انسجام بخشی متن، تعریضی است بر مخاطب که اقرار به حقانیت امام علی (ع) منجر به بهشتی بودن و دوزخی شدن است. در مقوله انسجام واژگانی «جزء وارگی = جزء به کل» نیز شاهد تکرار بین واژگان «خلق»، «کافر» و «مسلمان» هستیم. ناصر خسرو با ارائه تصویری زنده و پویا با بیانی جزئی گرا، عینیت حقانیت مولا علی (ع) را به مخاطب تلقین می‌کند. در واقع شاعر به وسیله عامل انسجام بخش جزء وارگی، مشخصات روشن تری از اندیشه خود را که همان حقانیت مولاست، به مخاطب ارائه می‌دهد. او در محور جانشینی ابیات فوق هم در جهت تشریح و هم تعریض مخاطب گام برداشته است و در محور هم‌نشینی نیز با بهره‌گیری از روش‌های «هم‌آیندی» مانند تکرار - واژه «قسمت» و تکرار معنایی «خلق» بر اساس وجود دو واژه «کافر» و «مسلمان» - به تشریح حقانیت علی (ع) پرداخته است.

در مدار ادب تطبیقی، در شعر هر دو شاعر می‌توان روش تشریح حقانیت علی (ع) را بر اساس تکرار حدیث «علی» قَسِيمُ النَّارِ وَ الْجَنَّةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰)، حس کرد. این حدیث در بافت کلی شعر سید و ناصر خسرو تکرار شده است و می‌توان آنرا نشانی از محوری بودن در اقتناع بر اساس تشریح معنی متن برای مخاطب دانست که به شکل تمثیلی انسجام پیوندی ابیات هر دو شاعر را رقم زده است. ناصر خسرو با استفاده از صنعت بدیعی «تشابه الاطراف» به حدیث نبوی اشاره کرده است و با برجسته‌سازی شگرد زبانی تکرار در جهت تقویت معنی و نشان دادن مفاهیم محوری در حقانیت امام علی (ع) اقدام کرده است. در بیان تفهیم فضیلت قاسم بودن مولا و مقایسه عملکرد دو شاعر در پرداختن به آن، باید به این نکته توجه داشت که شاعر شیعی عرب زبان، به تفاخر اصل و نسب امام علی (ع) پرداخته و علی (ع) را فرزند حضرت ابوطالب و داماد رسول الله (ص) معرفی کرده است که این باهم‌آیی (که معمولاً امام را با نام پدر و داماد پیامبر بودن می‌آورند)، مؤید این موضوع است که تفاخر به نسب در میان دیوان شاعران عرب زبان بیشتر از شاعران پارسی‌گوی نمود دارد. شاید این گونه نیز می‌توان استنباط کرد که حقانیت امام علی (ع) حتی در نسب نیز می‌تواند برهان تشریحی باشد.

۳-۱-۲) تکرار در سطح واجی (هم حروفی یا هم صدایی)

از جمله صناعاتی که می‌تواند تحت عنوان تکرار بررسی شود، «واج آرایبی» است؛ این صنعت ابزاری است که ساختار موسیقایی شعر در درون آن افزایش می‌یابد. «واج آرایبی» یعنی تکرار یک صامت و مصوت در چندین کلمه جمله که موسیقی کلام را به وجود می‌آورد یا افزون می‌کند» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۳).

از جمله امتیازات منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی (ع) که در نهج البلاغه مکرر بر آن انگشت گذاشته شده، ملازمت و پیوستگی دایم با پیامبر (ص) است. طولانی‌ترین فراز نهج البلاغه که به این امر پرداخته، خطبه «قاصعه» است. ناصر خسرو در بیت زیر به این فضیلت امام علی (ع) اشاره می‌کند. او فرد ناصبی را مخاطب خود قرار داده و در انسجام واژگانی متن خود با استفاده از تکرار واجی به تعریض فرد ناصبی می‌پردازد و سعی دارد تا حتی از طریق واج آرایبی که از ویژگی‌های لفظ است، بر اساس قاعده‌افزایی بر بار معنایی بیت بیفزاید و این گونه بر او استدلال می‌آورد:

راز ایزد با محمد بود و جز حیدر نبود

مر محمد را ز امت رازدار، ای ناصبی

(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۵۳۹)

در بیت بالا تکرار واج «راء» و «زاء» و «دال» باعث ایجاد توازن واجی و موسیقایی بیت شده است. در این بیت شاعر با کمک گرفتن از انسجام واژگانی تکرار به تکنیک اقناعی متوسل شده تا بدین وسیله انسجام متنی را در خدمت تشریح این نکته قرار دهد که علی (ع) ملازم و همراه نبی بوده است و از این گذر بر شخص ناصبی تعریض وارد کند. از همین رو با کمک تکرار در سطح واجی بر عمق معنا افزوده است. همان گونه که در جدول حروف یا الفبا سه حرف «راء» و «زاء» و «دال» در کنار و ملازم هم می‌آیند، در مورد علی (ع) و رسول خدا نیز این ملازمت و همراهی قابل رؤیت است. علاوه بر این، موقعیت و رفتار ناصبی در عصر و حیات شاعر می‌طلبد که شاعر نام شریف محمد (ص) را دو بار ذکر کند و در کنار آن متوسل به تکرار واج‌ها در بیت شود تا هم انسجام متنی بیت را تکمیل کند و هم رابطه معنایی را فرادید مخاطب بگذارد. بدین بیان که در رابطه معنایی بیت، ارتباط تقابلی که در ذیل انسجام پیوندی است، قابل مشاهده است. نشانه متنی «جز» اختلاف ناصبی و اعتقاد شاعر را برای مخاطب ترسیم می‌کند. این نشانه متنی از طرفی انکار عقیده ناصبی را به شکل آشکار بیان می‌کند و از سوی دیگر تصدیق‌پذیری متن را که عقیده ناصر خسرو است، به بهترین شکل به نمایش می‌گذارد. همچنین ناصر خسرو با تمثیل و انسجام واژگانی در نوع باهم‌آیی، مقام حضرت ختمی مرتبت نسبت به امام علی (ع) را، نسبت موسای کلیم به هارون دانسته و سعی کرده تا به تشریح ارتباط علی (ع) با پیامبر (ص) مبادرت ورزد:

هم انباز و هم همنشین محمد

چو هارون ز موسی علی بود در دین

ردای علی و آستین محمد

به محشر بپوسند هارون و موسی

(همان: ۱۳۰)

ناصر خسرو در ابیات فوق شش بار واج «دال»، پنج بار واج «هاء»، نه بار واج «میم»، چهار بار واج «سین» و دوبار واج «شین» را تکرار کرده است. تکرار نه باره حرف میم در دو بیت و اینکه این حرف از حروف اصلی کلمه «ملازم» است، نشان دهنده این است که شاعر از طریق ویژگی لفظ (تکرار و باهم‌آیی لفظی) و موسیقی درصدد اقناع مخاطب به ملازم و یار و یاور بودن علی (ع) با پیامبر گرامی اسلام است. شاعر عناصر واژگانی را در چارچوب موضوع که همان جانشینی مولا علی (ع) است، گرد هم آورده تا به این واسطه، ارتباط جمله‌های متن را پایدار کند. مطمئناً کلماتی چون هم‌انباز، هم‌نشین، هارون و موسی در بافت‌های مشابه با بافت موقعیتی شاعر نیز ظاهر می‌شوند؛ لذا شاعر با به کارگیری نیروی تناسب، انسجام آفرینی شگرفی به متن تزریق کرده که این مهم در راستای اقناع مخاطب به وسیله استحکام سازی فرم درونی شعر، ایجاد شده است.

ناصر خسرو در این دو بیت با استفاده از انسجام پیوندی، ارتباط اضافی بین معنا برقرار می‌کند؛ بدین سخن که اگر «جمله‌ای درباره محتوای جمله پیشین در متن، مطلبی اضافه کند و این افزوده جنبه توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای داشته باشد» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۸۹)، ارتباط اضافی از تنه انسجام پیوندی شکل می‌گیرد. تمثیل آوردن یکی از پرکاربردترین شیوه‌های اقناع است که نقش اساسی در ایجاد ارتباط معنایی متن دارد. مصرع دوم تمثیلی است برای مصرع اول که ساده،

محسوس و عینی و البته قابل درک است. شاعر با متوسل شدن به موارد ذکر شده درصدد تشریح مطلب برای مخاطب مشکوک است.

سید حمیری نیز در تشریح فضیلت یار و یاور پیامبر بودن امام علی (ع) با توجه به حدیث «أنت منی بمنزلة هارون من موسى» این گونه می‌سراید:

قد كان أثبتها موسى لهارونا أنت من أحمد الهادي بمنزلة
فكنت فيه أمينا فيه مأمونا أتاك من عنده علما حباك به
(حمیری، بی تا: ۴۱۹)

(و بر پیامبر هدایتگر در جایگاهی هستی که موسی آن جایگاه را برای هارون ثابت کرد/ از نزد پیامبر علمی به تو هدیه رسید پس تو نیز در حفظ آن علوم امانتدار بودی).

واج «میم» هشت بار، واج «هَاء» هشت بار و واج «نون» نیز هشت بار به غیر از تنوین در دو بیت تکرار شده است. اگر نگاهی به جدول حروف یا الفبا اندازیم، همه این حروف را در کنار و همراه هم می‌بینیم که سید حمیری نیز توانسته از تکرار این واج‌ها ملازمت و همراهی علی (ع) را با رسول خدا به زیبایی بازگو کند. علاوه بر انسجام واژگانی تکرار در ابیات فوق، انسجام دستوری نیز در چارچوب ارجاع قابل مشاهده است. ضمیر «ه» در تکرار جار و مجرور «فیه» و «عنده» دارای یک پیش فرض یا به اصطلاح دستوری دارای یک مرجع است و آن شخص پیامبر گرامی اسلام است که علاوه بر انسجام بخشی به متن به تشریح حقانیت علی (ع) در جانشینی ایشان پرداخته است. البته ضمیر «انت» و ضمیر متصل «ت» نیز دارای ارجاع برون‌متنی هستند که نقشی در انسجام متنی ندارند ولی بافت موقعیت مرجع آن را علی (ع) معرفی می‌کند. هر دو شاعر در ابیات فوق، موسی (ع) را جایگزین نام مبارک حضرت ختمی مرتبت و هارون را، جانشین اسم مبارک حضرت امیر کرده‌اند. این جایگزینی به دو روش اقناعی تشریح و تعریض بیان شده است که دلالت بر حدیث منزلت که در منابع معتبر شیعه و سنی ذکر شده، دارد. علاوه بر این، هر دو شاعر با استادی تمام از طریق تکرار واج این ملازمت در حروف را بر معنای اصلی حمل کرده و سعی کرده‌اند تا از این طریق نیز قدمی در راستای اقناع مخاطب خود بردارند.

۲-۳) استفاده از تکنیک استثناء

اسلوب و تکنیک استثناء «ظریف‌ترین ویژگی‌های زبانی، ادبی و اعتقادی گوینده را تأویل و تحلیل می‌نماید و این امکان به دلیل ساختار کلامی و ویژگی‌های درخور تأمل قصر و حصر حاصل می‌شود» (محفوظی، ۲۰۱۰: ۶۹). در میان انواع قصر، «قصر به نفی و استثناء» عنصری کاربردی در راستای اقناع حقانیت امام در شعر هر دو شاعر است. هر دو شاعر در بیان شجاعت امام علی (ع) از این تکنیک اقناعی استفاده نموده‌اند. ناصر خسرو با جمع میان اسلوب نفی و استثناء به تحسین شجاعت علی (ع) در قالب اسلوبی تأکیدی پرداخته و بیان می‌دارد که هیچ انسانی شجاعت حضرت را ندارد و در این راستا از «کنایه نسبت» نیز به عنوان یک برهان استفاده می‌کند؛ بدین بیان که تنها جبرئیل حمل‌کننده سلاح امام علی (ع) است و این کنایه، حکایت از شجاعت حضرت در میدان نبرد دارد. لذا ناصر خسرو یک برهان منطقی برای مخاطب خود در راستای اقناع او به حقانیت امام علی (ع) بیان می‌کند.

به دست علی ذوالفقار علی
 نبود از همه خلق جز جبرئیل
 یکی ازدها بود در چنگ شیر
 به حرب حنین نیزه‌دار علی
 (ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

مجدداً انسجام واژگانی تکرار (سه مرتبه نام مقدس امام علی (ع)) و همچنین باهم آبی «شیر و ازدها» نقش اساسی در انسجام متن ایفا می‌کند که این انسجام واژگانی، با انسجام پیوندی در رابطه معنایی و در چارچوب ارتباط تقابلی «جز» نمود معنایی پیدا می‌کند. «این رابطه معنایی هنگامی برقرار می‌گردد که محتوای یک جمله خلاف انتظاراتی باشد که جمله ماقبل آن نسبت به موقعیت گوینده و مخاطب به وجود می‌آورد. از نشانه‌های متنی این گونه رابطه معنایی میان جمله‌ها می‌توان از: اگرچه اما، با وجود اینکه، به رغم و... را نام برد؛ اما گاهی نیز این عناصر وجود ندارند» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۹۶). بیان شجاعت آن هم بر اساس ارتباط تقابلی بین جملات علاوه بر تشکیل ساختار انسجامی، قدرت اقناعی شگرفی به متن در جهت تشریح حقانیت حضرت بخشیده است. ادات تقابلی «جز» نشان دهنده تقابل دو گزاره است بدین سخن که در نبرد حنین در میان مسلمانان، علی (ع) تنها نیزه‌دار عرصه رزم بودند.

سید حمیری نیز با اسلوب استثناء در وجه تقابلی آن سعی دارد تا مخاطب را با شجاعت امیر مؤمنان آشنا کند؛ از همین رو حدیث پیامبر را که دارای دو نوع استثناء است، در حقانیت حضرت در متن شعری می‌گنجاند. او ابتدا با استفاده از بحث‌های منطقی سعی دارد از مخاطب خود در مقوله انسجام متنی اقرار بگیرد (تشریح)، به همین دلیل با به کار بردن اسلوب استفهام، زمینه را برای نتیجه‌گیری منطقی فراهم می‌آورد و نتیجه نهایی را به شکل حدیث نبوی که در بردارنده اسلوب استثناء است، بیان می‌دارد.

كفّار بدر و استباح دماء
 في يوم بدر يسمعون نداء
 مَنْ كان أوّل مَنْ ابادَ بسيفه
 من ذاك نوّه جبرئيل باسمه
 الا علي رفعة و علاء
 لا سيف الا ذوالفقار لا فتى
 (حمیری، بی‌تا: ۵۴)

(نخستین فردی که کافران بدر را با شمشیر خود نابود کرد و خونشان را حلال ساخت، چه کسی بود. / به همین دلیل جبرئیل او را با نامش تمجید کرد و در نبرد بدر همگان آن ندا را شنیدند / هیچ شمشیری جز شمشیر ذوالفقار و هیچ دلاوری چون علی در بلندی منزلت نیست).

به نظر می‌رسد سید حمیری با استفاده بهینه از حدیث نبوی و البته عجین کردن ظرافت‌های انسجام پیوندی متن، با اسلوب استثناء توانسته بیشتر مبحث شجاعت امام علی (ع) را به نمایش گذارد و مخاطب را بیشتر به حقانیت حضرت رهنمون کند و از او درباره شجاعت ایشان اقرار بگیرد. سید در مصرع دوم با متوسل شدن به «ارتباط زمانی» به عنوان عامل انسجام بخش پیوندی متنی، سخن را برای ارتباط تقابلی معنا مهیا می‌کند. ارتباط زمانی هنگامی بین دو جمله برقرار می‌شود که میان رویدادهای جمله توالی زمانی برقرار باشد. سید با آوردن واژه «نخستین» در صدد القای این مطلب است که مولا علی (ع) در همه نبردهای اسلام با کفر حاضر بوده و این خود، دلیل حقانیت ایشان است.

۳-۳) استفاده از تکنیک اسلوب شرط

«در فرایند متقاعدسازی، استفاده از اسلوب شرط در تبلیغ یک ایده، از سوی گوینده به این صورت مطرح می‌شود که «رسیدن به وضعیت مطلوب در گرو انجام فلان عمل یا پذیرش فلان ایده است» و از آنجا که هر انسانی در زندگی اجتماعی خود به دنبال راهکاری برای رسیدن به وضعیتی مطلوب است، مبلغان آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی از این ظرفیت برای تبلیغ و متقاعدسازی افراد به انجام اعمال مد نظر خود بهره می‌برند» (پارسا و سعیدی مقدم، ۱۳۹۶: ۳۶). سید حمیری و ناصر خسرو از این تکنیک اقناعی در به تصویر کشیدن واقعه غدیر خم و ارتباط آن با رستگاری انسان، کمک گرفته‌اند. شاعران ما در تأیید این واقعه به آیات قرآن و احادیث متوسل شده‌اند (تشریح). از اشتراکات این واقعه در اشعار دو شاعر می‌توان تلمیح و اشاره هر دو شاعر به آیه شریفه «اليوم أكملت لكم ديني و أتممت عليكم و رضيت لكم الإسلام دیناً» (المائدة/ ۳) اشاره کرد. ناصر خسرو در بیان این واقعه این گونه می‌سراید:

روزی که خطبه کرد نبی بر سر غدیر
بنگر که خلق را به که داد و چگونه گفت
گر دست او گرفت تو جز دست او مگیر
دست علی گرفت و بدو داد جای خویش
(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

اسلوب شرط در تقسیم‌بندی مبحث انسجام از دیدگاه هلیدی در چارچوب ارتباط سببی تکمیل می‌شود. این رابطه معنایی هنگامی برقرار می‌شود که «رویداد فعل با رویداد جمله دیگر ارتباط سببی داشته باشد. ارتباط سبب شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط می‌شود» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۹۵). در ابیات فوق، رابطه سببی از نوع شرط وجود دارد که انسجام واژگانی تکرار سه گانه واژه «دست» نیز باعث انسجام بیشتر بیت شده است. وجود حرف شرطی «اگر» روشن کننده ارتباط معنایی دو بیت اول است. حضور ارتباط سببی در میان ابیات، موجب پیوند جمله‌هایی شده که حامل اندیشه‌های وابسته به هم هستند و ارتباط منطقی را در تکنیک اقناع به وجود آورده‌اند. در واقع روابط شرطی و علی و معلولی سبب استواری رشته کلام شده‌اند. دو جمله شرط و جواب شرط، تکیه گاه مستحکمی در ارتباطات معنایی می‌سازند و حتی می‌توان گفت مفهوم جمله در گرو تکمیل ساختار سببی شرط است.

سید حمیری نیز در وصف رخداد غدیر این گونه سروده:

لقد سمعوا مقالته بخم
غداة يضمّمهم و هو الغدير
فمن أولى بكم منكم فقالو
مقالة واحد و هم لكثير
جميعا أنت مولانا و أولى
بنا منا و أنت لنا نذير
فان وليكم بعدى على
مولاكم هو الهادي الوزير
(حمیری، بی تا: ۱۹۸).

(در نیم روزی که پیغمبر آنها را در غدیر خم گرد آورد، سخن او را شنیدند که فرمود: اولی از خودتان به خودتان کیست؟ و آنها که گروهی بسیار بودند هماهنگ گفتند: تو مولا و ترساننده ما، و از خود ما به ما اولائی (و او فرمود): پس ولی و مولای شما پس از من این علی رهبر و وزیر است).

در ابیات فوق، رابطه سببی از نوع شرط وجود دارد. «فمن» در بیت دوم نمودی از حضور ارتباط سببی در میان ابیات سید است که موجب پیوند جمله‌هایی شده که حامل اندیشه‌های غدیری شاعر هستند. دو جمله شرط و جواب «فقالوا» تکیه گاهی مستحکمی می‌سازند از منطق که مخاطب را در مقابل استدلال‌ها متواضع و مطیع می‌گرداند. مفهوم جمله در گرو باوردداشت حادثه غدیر خم، حقانیت مولا علی (ع) را تکمیل می‌کند. این مهم هم در جهت ساختار متن و هم در جهت ارتباطات معنایی تکمیل کننده هدف اقناعی شاعر است. انسجام دستوری ارجاع در ضمیر «هو» در مصرع دوم بیت چهارم از نوع پس مرجع است که این مهم نیز در پیوند و ارتباط دو بیت نقش انسجام بخش دارد.

هر دو شاعر به بیان و توصیف حادثه تاریخی غدیر خم در اشعارشان اهتمام داشته‌اند و از همین گذر عاطفه در اشعار هر دو شاعر، صادق است. علاوه بر این مورد هر دو شاعر برای اشاعه حقانیت امام علی (ع)، متوسل به تکنیک و اسلوب شرط شده‌اند. ناصر خسرو این گونه بیان می‌کند که اگر رسول خدا دست مولا را گرفت و تو نیز که پیرو آن رسول هستی، می‌بایست از مولا علی (ع) تبعیت کنی. در واقع ناصر خسرو مقایسه‌ای کرده بین عمل رسول خدا و عملی که می‌بایست از جانب مردم مسلمان سر بزنند. اما سید حمیری شرط را کاملاً در نقل مستقیم داستان غدیر خم به کار می‌بندد؛ لذا اسلوب شرط را از زبان رسول خدا بیان می‌دارد. سید وظیفه خود می‌داند که مخاطب را به عملی سوق دهد که رسول خدا آن را انجام داده است. پس او با این رویکرد بیان می‌دارد که اگر پیرو آن رسولی، می‌بایست پیرو فرامین آن حضرت نیز باشی و از آن تخطی نکنی. در دیوان سید حمیری در مقایسه با اشعار ناصر خسرو، غدیر خم به شکل ملموس‌تری نمود و ظهور دارد، به حدی که در سرتاسر دیوان او، رائحه شمیم خوش غدیر خم، قابل استشمام است.

۳-۴) استفاده از تکنیک تمثیل

تمثیل در گستره تفکر بشری دارای قدمت بسیاری است. تمثیل از مؤثرترین و قدیمی‌ترین شگردهای اقناعی نیز شمرده می‌شود؛ چراکه «تمثیل به واسطه تبدیل مفاهیم کلی و انتزاعی به مدرک عینی و محسوس، می‌تواند توجه افراد را جلب کند» (میلز، ۱۳۹۰: ۴۷). آنچه دو چندان ارتباط این شگرد را با اقناع مستحکم می‌کند، ارتباط آن با مقوله استدلال است. «با تصویر کردن مفاهیم انتزاعی و عقاید دینی و اخلاقی، امر آموزش به عوام و ذهن‌های مبتدی را ساده می‌کند. کارکرد تمثیل در مذاهب نیز بسیار روشن است؛ به ویژه در خطابه‌های سیاسی و علم اخلاق، قدرت اثبات و اقناع شگرفی دارد؛ مثلاً در توصیه به انجام امری یا نهی از عملی» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۷۳). تأثیر اقناعی احادیثی که به شکل تمثیل در ارجاعات شعری ادبیات متعهد باشند، به روشنی قابل رویت است. شاعران متعهد با فهم قدرت اقناعی این نوع خاص از احادیث و ارجاع بدان در اشعار خود سعی بر آن داشته‌اند که بار اقناعی کلام خود را با این احادیث دو چندان کنند. یکی از این احادیث تمثیلی که رسول خدا (ص) درباره امیرالمومنین (ع) فرموده است: «أنا مدينة العلم و علی بابها». (النیسابوری، ۲۰۰۰، ج ۳: ۳۲۶). این حدیث شریف یکی از هزاران حدیثی است که در میدان شعر، مورد نظر شاعران در وصف فضایل امام علی (ع) و در راستای اقناع مخاطبین به حقانیت علمی ایشان قرار گرفته است. ناصر خسرو با اشاره به این حدیث بیان می‌دارد:

زیرا جز او نبود سزای امامتش
تا بر دلت بتابد نور سعادتش

در بود مر مدینه علم رسول را
گر علم بایدت به در شهر علم شو
(ناصرخسرو، ۱۳۸۸: ۱۸۰)

مصرع‌های زوج در ابیات فوق دارای رابطه معنایی از نوع انسجام پیوندی و در ساختار ارتباط اضافی هستند. استفاده از حدیث مورد نظر در شکل تمثیل جلوه خاصی به متن و انسجام آن داده است. همچنین در بیت نخست از بیت زیر نیز این حدیث در قالب تمثیل ذکر شده است:

در مدینه علم حکمت نیست باز، ای ناصبی
زیر بار جهل مانندستی ازیرا مر تو را
(همان: ۵۳۹)

سید حمیری نیز در این باب از فضیلت امام با الفاظ و واژه‌های ساده اما عمیق هم انسجام پیوندی و هم تکنیک هنر آفرین اقناعی خود را به زیبایی بیان می‌کند:

ذکر النزول و فسّر الأنباء
قد کان یشفی قَوْلُهُ البُرْحَاء

مَنْ کان بَابَ مَدینَةِ الْعِلْمِ الَّذِی
مَنْ کان أَخْطَبُهُمْ و أَنْطَقُهُمْ و مَنْ
(حمیری، بی تا: ۵۸)

(دروازه شهر دانش علی(ع) است، آگاه بر نزول آیات و مفسر اخبار علی(ع) است/ کسی که خطیب‌ترین و سخنورترین است و با سخنش، سختی و ضعف‌ها را از بین می‌برد).

در بیان فضیلت علمی و حقانیت امام، نگاه هر دو شاعر به احادیث است که آن احادیث در لباس تمثیل بیان شده‌اند؛ البته در ابیات مطرح شده توسط هر دو شاعر نوعی استدلال عقلی وجود دارد که مبتنی بر تشبیه است (تشریح). شاعران با آوردن مثالی ملموس که در واقع حدیث نبوی است، سعی بر آن دارند که ادعایی خود را اثبات کنند. شاعران برای تبیین حقانیت علمی علی(ع)، زبان تخیلی و بیان شاعرانه ندارند و با استفاده از کلماتی کاملاً مأنوس، صرفاً به تبیین مسأله در ذهن مخاطب می‌پردازند و این از اشتراکات هر دو شاعر در وصف فضیلت امام است. اما اگر در باب اختلاف این ابیات سخن برانیم می‌توانیم به ابتکاری که در ابیات سید حمیری در مقایسه با ابیات ناصرخسروست، اشاره کرد؛ به این بیان که سید، علاوه بر صنعت تلمیح از استفهام برای رساندن معنی در ژرفای بینش مخاطب، کمک گرفته است (تشریح و تشدید). گویی سید در مقام قاضی نشسته و از مردم اطراف خود اعتراف می‌گیرد. این مهم، قدرت اقناعی و نفوذ این شگرد را در شعر حمیری بیشتر جلوه می‌دهد. همچنین در ابیات ناصرخسرو روحیه دعوت‌گری و ویژگی ادله آوری او قابل رؤیت است؛ چراکه او با بیان عالم بودن امیرالمؤمنین دیگران (ناصری) را به چالش می‌کشانند (تعریض).

۳-۵) استفاده از تکنیک استفهام

گاهی پرسش و سؤال از معنی اصلی آن که با هدف کسب آگاهی و اطلاع صورت می‌گیرد، خارج می‌شود و در معنای ثانوی آن مطرح می‌شود. «برای اولین بار زمخشری به برخی از اغراض ثانوی استفهامات قرآن کریم اشاره کرده است که عبارتند از: نفی، تقریر، تحکم و تعظیم» (شوقی ضیف، ۱۳۸۳: ۳۴۳). در ارتباطات اقناعی نیز «سؤال ابزاری مؤثر در ترغیب

افراد به حساب می‌آید» (میلز، ۱۳۹۰: ۸۶). چرا که از یک سو تأمل در مخاطب را سبب می‌شود (تشدید) و از سوی دیگر مشارکت و همیاری (تشریح) او را طلب می‌کند؛ لذا می‌توان آنرا یکی از مهمترین شگردهای اقناعی به حساب آورد. سید حمیری برای نشان دادن شجاعت مولا علی (ع) متوسل به این شگرد اقناعی شده است. او با بکارگیری استفهام، به عنوان یک معیار انسجام پیوندی، در صدد اخذ تأیید سخن خود از زبان مخاطب و در پایان، متقاعد کردن اوست (تشریح):

أمن ضربهم بالسيف هل كان يشعُ
و في خيبر فاسألُ به آل خيبر
صريعاً لجنبه ذئابٌ و أضبعُ
ألم يُردُ فيها مرحبا فارس الوغى

(حمیری، بی‌تا: ۲۷۵)

(و از اهل قلعه خیبر پرس، در نبرد خیبر آیا شمشیر علی (ع) از کشتن سیر می‌شد؟/ مگر مرحب، جنگجوی یهودی، با او پیکار نکرد، جز اینکه کشته افکنده‌ای گشت برای گرگ‌ها و کفتارها).

در مصراع دوم بیت اول، سید حمیری با استعمال واژه پرسشی «هل» ضمن اعتراف گرفتن از مخاطب در صدد ارشاد او نیز برآمده و نفوذ کلام خود را در راستای اقناع مخاطب دو چندان کرده است. این ابیات تلمیحی دارد به رخداد و نبرد خیبر که توان بی‌مانند علی (ع) بود که خیبر را گشود و حصار خیبریان را ویران کرد. در تکنیک اقناعی استفهام ارتباط سببی که یکی از عوامل انسجام پیوندی است، بیشترین نقش را در انسجام بخشی به متن ایفا می‌کند. ابیات توصیفی که در بردارنده استفهام هستند، زمانی که دراماتیک می‌شوند، جنبه حرکتی به خود می‌گیرند که این خود ارتباط سببی در متن ایجاد می‌کند. شاعر زمانی که قصد بیان حوادث می‌کند و می‌خواهد از طریق استفهام از توصیف فاصله بگیرد و حادثه را از سر بگیرد، مهم‌ترین ارتباطی که او را در شکل‌گیری حادثه یاری می‌رساند، ارتباط سببی است؛ لذا با استفاده از ادوات پیوندنمای سببی به بیان این نوع ارتباط می‌پردازد. در ابیات فوق از سید حمیری ادوات «من» شروع نبرد را شکل می‌دهد. شاعر علت پیروزی در جنگ خیبر را سیر نشدن شمشیر علی (ع) از کشتن می‌داند. حمیری با استفاده از تکرار دو استفهام انکاری که انسجام واژگانی متن را شکل می‌دهد، به انسجام پیوندی بیت نیز اشاره می‌کند.

ناصر خسرو نیز به غزوه خیبر گریز می‌زند و رشادت و دلاوری مردی امام را به تصویر می‌کشد:

روز خیبر چونکه بوبکر و عمر آن در نکند
تا علی کند آن قوی در زان حصار، ای ناصبی

(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۵۳۹)

ناصر خسرو نیز حرف ربط «تا» را که در کلام وی به شکل چشمگیر در وجه ارتباط سببی کاربرد دارد، عامل انسجام پیوندی بیت قرار داده است. همچنین «چون» را به عنوان ادوات استفهام به کار بسته تا علتی باشد بر شجاعت مولا علی (ع) و نیز علتی باشد بر ضعف ابوبکر و عمر در نبرد خیبر. «در ادب فارسی، استفهام را در جمله و کلام، بوسیله ادوات ویژه آن بیان می‌کنند. ادوات استفهام عبارت از: آیا، چند، چطور، چون، کدام، چگونه...» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۳۲۷).

آنچه در این ابیات می‌توان دید اشاراتی است بر احادیث و وقایع تاریخی عصر امام که در قالب الفاظ و تراکیبی به دور از پیچیدگی‌های مرسوم شعر کهن عربی و فارسی انشاد شده است. بازتاب رفتاری امام علی (ع) در جنگ‌های صدر اسلام، سهم قابل ملاحظه‌ای از اشعار هر دو شاعر را در مدح ایشان و اقناع حقانیت ایشان را به خود اختصاص داده است.

ناصر خسرو در تصویرسازی شجاعت حضرت علی(ع) تنها به استدلال منطقی متوسل شده (تشریح) و از این گذر، یک صحنه کاملاً منطقی و کلامی را خلق کرده است. ولی سید حمیری با متوسل شدن به صنعت تشخیص، به شمشیر امام جان می‌بخشد؛ از همین روی از اوج شجاعت امام سخن به میان می‌آورد و اشارهای به کشته شدن مرحب پهلوان یهودی به دست خیبر شکن امام می‌کند. او علاوه بر این، با استفاده از تکنیک استفهام از مخاطب خود اعتراف می‌گیرد و در نهایت این مقوله به ارشاد مخاطب منتهی می‌شود. به نظر می‌رسد سید حمیری در اشاره کردن به صحنه نبرد خیبر توانسته بیشتر مخاطب خود را در سیر گفتمانی اقناع روان سازد و این مهم با استفاده از اسلوب استفهام بوده که ناصر خسرو در این مجال از آن استفاده نکرده است.



نتیجه

در بیان اقناع حقانیت مولا علی (ع) و فضایل ایشان، هر دو شاعر از منابع تاریخی و دینی تقریباً مشترکی تأثیر پذیرفته‌اند، اما نوع استفاده آنها از تکنیک‌های اقناعی در چارچوب و موازین انسجام متن که در راستای تشریح حقانیت و همچنین تعریض به دشمنان و تشدید به حقانیت حضرت است، با هم تفاوت‌هایی دارند. فرایند اقناع مبتنی بر ساختارهای انسجام زبانی است و هر دو شاعر جهت تأکید (تشدید) و روشن کردن (تشریح) حقانیت علی (ع) و تثبیت بیشتر مضمون مورد نظر خود از تکنیک «تکرار» به عنوان معیار انسجام بخش واژگانی و «استثناء» که انسجام بخش پیوندی است، بهره جسته‌اند. تکرار و اسلوب استثناء ضمن کمک به وحدت ساختاری و انسجام متن ادبی، نشانگر محوریت موضوع است که در این مقال هر دو تکنیک در خدمت انتقال حقانیت امام به کار رفته است. بسامد بالای انسجام بخش‌های واژگانی و هم‌چنین پیوندی نسبت به انسجام دستوری در تکنیک‌های اقناعی در شعر هر دو شاعر محسوس است؛ البته انسجام دستوری مخصوصاً نوع ارجاعی آن در نزد سید حمیری بیشتر مورد اقبال قرار گرفته است. استفاده از تکنیک استفهام که جلوه‌ای از انسجام پیوندی است در راستای اقناع مخاطب، به شاعر این امکان را می‌دهد که مخاطب را چه به لحاظ احساس و چه به لحاظ تعقل به تکاپو وادارد و او را به هیجان همراه با تفکر دعوت کند. تکنیک شرط نیز به عنوان یک انسجام‌دهنده پیوندی، مخاطبان را به تحریک احساس و اندیشه فرا می‌خواند اما این مهم با استمداد از قیاس عقلی و رجوع به تاریخ همراه است. تکنیک تمثیل نیز به عنوان انسجام بخش پیوندی، مفاهیم انتزاعی را برای درک بهتر مخاطب به شکل محسوس بیان می‌کند و مخاطب را برای درک حقانیت موضوع آماده می‌کند. هر دو شاعر حقایق تاریخ را به زبان شعر بازآفرینی کرده و به تصویر کشیده‌اند. آنها به تلمیح و اشاره به آیات قرآن و احادیث متوسل شده‌اند و در برخی از موارد مانند پرداختن به نسب با هم اختلافاتی دارند. تعهد موجود در شعر هر دو شاعر بر پایه رواج حقانیت امام علی (ع) است که موعظه‌ها و توصیه‌های دینی و مذهبی را بر پایه اقناع به حقانیت حضرت و انتقاد کارآمد از ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه انجام می‌دهند (تعریض). هر دو شاعر با استفاده از اسلوب‌های اقناعی و خطاب یعنی استفاده از دلایل نقلی و حتی عقلی سعی دارند تا مخاطب خود را به تفکر و تعقل وادارند؛ البته به نظر می‌رسد سید حمیری بیشتر از ناصر خسرو از معیارها به خصوص اسلوب استفهام استفاده کرده است. هر دو شاعر در به تصویر کشاندن فضایل امام کمتر از فنون بلاغی استفاده کرده‌اند. بنیان فکری و عاطفی هر دو شاعر تقریباً به هم نزدیک است و این ویژگی در سایه ارادت به خاندان امامت به ویژه امام علی (ع) تجلی بیشتری می‌یابد.

تعارض منافع

طبق گفته نویسندگان، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۸۷ ه. ق). *عیون اخبار الرضا*. جلد ۱. تهران: جهان.

ابن معتز، عبدالله بن محمد. (۲۰۰۲). *طبقات الشعراء*. بیروت: دارالکتب العالمية.

اخلاقی، اکبر. (۱۳۷۶). *تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار*. اصفهان: فردا.

اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۵۵). *پیوند فکر و شعر در نزد ناصر خسرو*. یادنامه ناصر خسرو. به کوشش جلال متینی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- اصبهانی، ابوالفرج علی بن حسین. (بی تا). *الآغانی*. جلد ۷. بیروت: دار احیاء التراث العربی
- پارسا، احمد و محمد سعیدی مقدم. (۱۳۹۶). «سبک اقناعی نظامی در بیان مضامین تعلیمی با تکیه بر قصائد». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. شمار ۳۵: ۲۳-۵۰.
- طه، حسین. (۱۹۸۲). *من تاریخ الادب العربی العصر العباسی الاول*. جلد ۲. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حمیری، سیداسماعیل. (بی تا). *دیوان السید الحمیری*. تحقیق شاکر هادی شکر. بیروت: دار مکتبه الحیاة.
- رزمجو، حسین. (۱۳۶۶). *شعر کهن در ترازوی نقد اخلاق اسلامی*. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رضانژاد، غلامحسین. (۱۳۶۷). *اصول علم بلاغت*. چاپ اول. تهران: الزهراء.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *نگاهی تازه به بدیع*. چاپ دوم. تهران: میترا.
- شوقی ضیف، احمد. (۱۳۸۳). *هنر و سبک‌های شعر عربی*. ترجمه مرضیه آباد و محمد فاضلی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- عرب، عباس و شیرین سالم. (۱۳۹۰). «سیمای امام علی (ع) در اشعار سید حمیری». *لسان مبین*. دوره ۳. شماره ۸. صص: ۱۹۸-۲۲۲.
- العسگری، أبو هلال. (۱۹۵۲ م). *کتاب الصناعین*. تحقیق علی محمد البجاوی و محمد أبی الفضل إبراهیم. قاهره: دارالأحیاء الکتب العالمیة.
- علیپور، مصطفی. (۱۳۷۸). *ساختار زبان شعر امروز (پژوهشی در واژگان و ساختار زبان شعر معاصر)*. تهران: فردوس.
- فتح‌اللهی، ابراهیم و ابراهیم کاملی. (۱۳۹۴). «فرایند اقناع در قرآن کریم». *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. دوره ۱۲. شماره ۲۵. صص: ۷۵-۱۰۰.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۵). *بلاغت تصویر*. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- فروخ، عمر. (۱۹۷۵). *تاریخ الادب العربی العصر العباسیة*. جلد ۲. بیروت: دارالعلم للملایین.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۵۸). *سخن و سخنوران*. چاپ سوم. تهران: خوارزمی.
- گیل، دیوید و بریجت ادفر. (۱۳۸۴). *القبای ارتباطات*. ترجمه رامین کریمیان و همکاران. چاپ اول. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی بر سخن کاوی». *زبان‌شناسی*. شماره پیاپی ۱۷. صص: ۷۵-۱۱۰.
- محموظی، سلیم. (۲۰۱۰). *وسائل الاقناع فی خطبة طارق بن زیاد؛ دراسة تحليلیة فی ضوء نظریة الحجاج*. الجزائر: جامعة الحاج الحضمر، باتنه، وزارة التعليم العالة و البحث العلمي.
- محقق، مهدی. (۱۳۸۶). *تحلیل اشعار ناصر خسرو*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، مجید و امیرعباس عزیزی فر. (۱۳۹۴). «فضایل امام علی (ع) در شعر ناصر خسرو و کمیت بن زیاد اسدی». *مجله الجمعیه العلمیه الایرانیة* للغه العربیة و آدابها. فصلیه علمیه محکمه. سال ۱۱. پیاپی ۳۵. صص: ۱۵۵-۱۲۳.
- الملائکه، نازک. (۱۹۶۲). *قضايا الشعر المعاصر*. الطبعة الاولى. بیروت: دار الاداب.
- موزنی، علی محمد. (۱۳۹۳). «درآمدی بر جایگاه فرایند اقناع در فن خطابه و مطالعات ادبی». *نقد ادبی و بلاغت*. دوره ۳. شماره ۶. صص: ۹۳-۱۱۱.
- میلز، هری. (۱۳۹۰). *ترغیب افراد*. ترجمه بابک خادمی پاشاکی و راضیه فضلی. چاپ اول. تهران: ارمگان.
- ناصر خسرو. (۱۳۸۸). *دیوان اشعار*. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. چاپ هشتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- النیسابوری، الحاکم. (۲۰۰۰). *مستدرک علی الصحیحین*. جلد ۳. بیروت: المکتبه العصریة.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن. (۱۳۹۳). *زبان، بافت و متن؛ ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی*. ترجمه محسن نوبخت. چاپ اول. تهران: سیاه‌رود.
- یعقوبی، پارسا. (۱۳۹۱). «بار تعلیمی جریان‌های شعر فارسی». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. شماره ۱۵. صص: ۱۷۷-۱۹۸.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۶). *چشمه روشن؛ دیدار با شاعران*. تهران: علمی.

References

Holy Quran.

Alipoor, M. (1999). *Sakhtar-e zaban-e she'r-e Emrooz*. (Pazhooheshi dar Vazhegan va Sakhtar-e Zaban-e She'r-e Mo'aser). Tehran: Ferdows .

Akhlaghi, A. (1997). *Tahlil-e Sakhtari-ye mantegh-ol Teyr-e Attar*. Esfahan: farda.

- Hemyari, S.E. (Bita). Devan ol-Seyyed ol-Hemyari. Tahghigh-e Shaker Hadi Shokar. Beyroot: Dar-ol maktabat ol-Hayat.
- Al-Asgari, A. (1952). Ketab-ol Sana'atayn. Tahghigh 'Ali Mohammad Al-Bajavi & Mohammad Abol Fazl Ebrahim, Ghahere: Dar ol-Ehya-ol Kotob ol-'Alamiya.
- Al-Malaek, N. (1962). Ghazaya-ol She'r-ol Mo'aser. Tab'ol Oola. Beyroot: Dar-ol Adab.
- Al-Nyesaboori, A. (2000). Mostadrak Alal Sahihayn. Vol 3. Beyroot: Al-Maktabat-ol 'Asriyah .
- 'Arab, 'A. & Sh. Salem. (2011). Simaye Imam 'Ali dar Asar-e Seyyed Hemyari. Lesan-e mobin. Years 3. No. 8. Pp. 198-222. [in persian]
- Esbahani, A. (Bita). Al-aghani. Beyroot. Vol 7. Tehran: Dar-ol ehya-ol-Toras-ol 'Arabi.
- Fathollâhi, E. & E. Kameli. (2015). Farayand-e Eghna' dar Qoran-e karim. Tahghighat-e Oloom-e Qoran va Hadis. No 25. Pp: 75-100. DOI: <https://doi.org/10.22051/tqh.2015.948>
- Fotoohi, M. (2015). Balaghat-e tasvir. 4th Edition. Tehran: Sokhan .
- Forookh, 'O. (1975). Tarikh-ol Adab-ol 'Arabi-ol 'Asr-ol 'Abbasiyeh. Vol. 2. Beyroot: Dar-ol 'Elm-ol lelmalayin.
- Foroozanfar, B. (1979). sokhan va sokhanvaran. 3th Edition. Tehran: Kharazmi.
- Gil, D. & B. Edfer. (2004). Alefbay-e Ertebatat. tarjomeye Ramin Karimiyân. First Edition. Tehran: markaz-e motale'at va Tahghighat-e Resaneha.
- Halliday, M. & R. Hasan. (2013). Zaban, baft va Matn. Tarjomeye Mohsen Nobakht. First Edition. Tehran: Siyahrood .
- Ibn Babevahy, A.J M. (2009). 'Oyoon-e Akhbar-ol Reza. Tehran: Jahan.
- Ibn Mo'taz, 'A. (2002). Tabaghat-ol Sho'ara. Beyroot: Dar-ol Kotob-ol 'Alamiya.
- Eslami Nodooshan, M.'A. (1976). Peyvand-e Fekr va she'r dar nazd-e - Naser Khosrow. Yadname-ye Naser Khosrow. Be kooshesh-e Jalal Matini. Mashad: daneshgah-e Ferdowsi-e Mashhad .
- Lotfi Poor Sa'edi, K. (1994). Daramadi bar sokhan kavî. Zaban Shenasi . No. 17. Pp. 75-110. [in persian]
- Mahfoofi, S. (2010). Vasayel-ol Eghna' fi khotbate Taregh-ebn ziyad. Aljazayer: Jame'at-ol Haj-ol Hazar .
- Mohaghhegh, M. (2007). Tahlil-e Ash'ar-e Naser Khosrow. 7th Edition Tehran: Daneshgah-e Tehran.
- Mo'azzeni, 'A.M. (2014). Daramadi bar jaygah-e farayand-e Eghna' dar fanne khetabe va motale'at-e Adabi. Years 3. No. 6. Pp. 93-111.
- Mills, H. (2011). Targhib-e Afrad. tarjomeye Babak Khademi Pashaki & Raziye Fazli. First Edition. Tehran: Armgan.
- Naser Khosrow. (2009). Devan Ash'ar. Tahghigh-e Mojtaba Minovi & Mahdi Mohaghhegh. 8th Edition. Tehran: daneshgah-e Tehran.
- Mohammadi, M. & A.'A. 'Azizifar. (2015). Fazayel-e Imam 'Ali dar she'r-e Naser Khosrow va Komeyt-ebn-e Ziyad Asadi. Majalloye al-jam'iyat-ol 'Elmiyat-ol Irani-ya Lelloghat-ol 'Arabiya va Adabeha. Years 11. No. 35. Pp. 123-155. DOR: <https://dorl.net/20.1001.1.23456361.1436.11.35.7.2>
- Razmjo, H. (1987). She'r-e Kohan dar Tarazooye Nagd-e Akhlagh-e Eslami. First Edition. Mashhad: Entesharat-E Astan-E ghoods-e Razavi.
- Rezanezhad, G.H. (1989). Osool-e 'Elm-e Balaghat. First Edition Tehran: Al-Zahra.
- Samisa, S. (2007). Negahi Taze Be Badi'. 2th Edition Tehran: Mitra.
- Shoghi, Z. (2004). Honar va sabk-e she'r-e 'Arabi. Tarjomeye Marzieh Abad & Mohammad Fazeli. Mashad: Daneshgah-e Ferdowsi-ye Mashhad.
- Taha, H. (1982). Men Tarikh-ol-Adab-ol 'Arabi-ol 'Asr-ol 'Abbasi-ol Avval. Beyroot: Dar-ol 'Elm lelmalayin.
- Yoosefi, GH. (1997). Cheshmeyer Roshan; Didar ba Sha'eran. Tehran: Elmi.
- Parsa, A. & M. Sa'idi Moghaddam. (2016). Sabk-e Eghna'i-ye Nezami dar bayan-e Mazamin-e Ta'limi ba Tekkiye bar Ghasayed. pazhoohesh nameye Adabiyat-e ta'limi. No. 35. Pp. 23-50. [in persian]
- Yaghoobi, P. (2012). Bar-e Ta'limi-ye Jaryanhaye she'r-e Farsi. Pazhooheshnameye Adabiyat-e Ta'limi. No. 15. Pp. 177-198 .[in persian]